سی‌ویکمین همایش بانکداری اسلامی: بانکداری اسلامی با نگاهی به بیانیه گام دوم انقلاب
۹ و ۱۰ شهریور ماه ۱۴۰۰، صص. ۱۳۱-۱۶۴

عوامل مؤثر بر مسئولیت و فعالیت بانک‌های توسعه‌ای در مانع‌زدایی و پشتیبانی از تولید ملی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب

یاور عسکری[۱]

چکیده

رهبر انقلاب، در بهمن سال ۱۳۹۷ با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب»، توجه به مسائل اقتصادی کشور را ضروری قلمداد کردند و سیاست‌های کلی برنامه اقتصاد پشتیبان تولید ملی به‌عنوان یکی از سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی مطرح شد. در این میان، بانک و نظام بانکی نقش مهمی در تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی و گردش منابع مالی تولیدات ملی دارد.

این پژوهش با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی که جزء تصمیم‌گیری‌های چندمعیاره است، انجام شده است.

یافته‌های مطالعه حاضر نشان داد که میزان اهمیت رویکرد مدیریتی با میزان اهمیت ۵۱ درصد، نخستین اولویت را در میان عوامل دخیل در موفقیت و تأثیرگذاری بانک‌های توسعه‌ای در ایران از طریق فرایند تحلیل سلسله مراتبی دارد. در وهله بعد، رویکرد محیطی (۲۷٪)، رویکرد فنی (۱۳٪)، رویکرد سازمانی (۵٪) و رویکرد اجتماعی (۴٪)، به‌ترتیب اولویت‌های دوم تا پنجم بودند.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد پشتیبان تولید ملی، بانک‌ها، سیستم بانکی و مالی

JEL: D51, E58, H13

---

[۱] معاون شعبه ممتاز بانک مسکن مرکزی اهواز (نویسنده مسئول)؛ nosrati81@yahoo.com

مقدمه

رهبر حکیم انقلاب اسلامی ایران، در بهمن سال ۱۳۹۷ و در آستانه چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب و قدم‌گذاشتن به دهه پنجم حیات انقلاب، با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» و برای ادامه راه پرفتوح انقلاب اسلامی، به‌تبیین دستاوردهای بزرگ چهار دهه گذشته انقلاب پرشکوه اسلامی ایران پرداخته و توصیه‌هایی کلیدی به‌منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده‌اند. بیانیه «گام دوم انقلاب» با خطاب قراردادن ملت ایران و به‌خصوص جوانان، نمایان‌کننده دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی بود که تحقق آن، فصل جدیدی از حیات انقلاب شکوهمند اسلامی ایران را در پی دارد و موجب می‌شود تا انقلاب، به هدف والای خود که تشکیل تمدن نوین اسلامی و آماده‌کردن امت و جامعه برای ظهور ولایت عظماست، نزدیک شود.

یکی از ارکان اصلی بیانیه گام دوم انقلاب، بُعد اقتصادی جامعه بود که لزوم تقویت و تثبیت ابعاد آن به‌خوبی در این بیانیه آشکار است. به بیان دیگر، مفهوم دقیق‌تری از اقتصاد بیان شد و راه‌حل آن برپایی اصل اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی، در مفهوم اجرایی، اقتصادی است که پشتیبان تولید ملی است. اقتصاد پشتیبان تولید ملی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار یا در وضعیت کنونی، تحریم و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثرکردن آن و در وضعیت آرمانی، تبدیل چنین فشارهایی به فرصت است که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه، پیش‌شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد پشتیبان تولید ملی، بر کاهش وابستگی‌ها و تولید داخلی تأکید دارد و تلاشی در جهت خوداتکایی محسوب می‌شود. چنین اقتصادی در مفهوم عمیق و عملی، اقتصاد پشتیبان تولید ملی واقعی، یک اقتصاد فعال و در تکاپوست و هیچ‌گونه وابستگی در آن تعریف نمی‌شود. هدف اصلی در اقتصاد پشتیبان تولید ملی آن است که بر فشارها و ضربه‌های اقتصادی از سوی نیروهای مستکبر خارجی غلبه کند که سد راه پیشرفت جامعه است. (مشایخ و همکاران، ۱۳۹۳)

مسائل اقتصاد جهانی و چالش‌های متعدد اقتصادی کشور باعث شد، رهبر معظم انقلاب شخصاً وارد این موضوع شده تا به‌عنوان عالی‌ترین مقام کشور، راهنمایی‌ها و تدابیر لازم را با طرح اقتصاد پشتیبان تولید ملی ارائه کند. اقتصاد پشتیبان تولید ملی، دارای ویژگی‌های خاصی است که در اوضاع کنونی برای مقابله با دشمنان نظام و وضعیت استراتژیک کشور قابل‌طرح است. اقتصاد پشتیبان تولید ملی یعنی؛ تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن آن‌ها و در وضعیت آرمانی، تلاش برای تبدیل این فشارها به فرصت است. در ادبیات علمی، مفهوم اقتصاد پشتیبان تولید ملی تاکنون به‌کار گرفته نشده اما، می‌توان آن را از فرمایش‌های مقام معظم رهبری و دیدگاه‌های

کارشناسان اقتصادی استخراج کرد که به‌تازگی مطرح کرده‌اند. اقتصاد پشتیبان تولید ملی، راهکار اقتصادی یک کشور در وضعیت خاص است که به تولید و توزیع کالاهای خاص و سرمایه‌گذاری برای کاهش وابستگی به کشورهای دیگر، به‌خصوص کشورهای متخاصم، در اوضاع بحرانی می‌پردازد. به‌گونه‌ای که اگر نتوانست محصولات اساسی زندگی مردم و کالاهای اساسی آن‌ها را در بازار مبادله از کشورهای دیگر تهیه کند، بتواند با اتکا به داخل به تولید انبوه محصول مورد نظر بپردازد.

از آنجایی که ایران در معرض انواع مبارزه‌ها، تحریم‌ها و شوک‌های پیش‌بینی نشده از سوی برخی مجامع بین‌المللی قرار دارد، تقویت بنیان‌های اقتصادی کشور در مواجهه با نوسانات و چالش‌های گوناگون به‌عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر مطرح می‌شود. ابلاغ سیاست کلی اقتصاد پشتیبان تولید ملی براساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی توسط رهبر معظم انقلاب حرکتی جدید و تدبیری اثربخش در تقویت و مقاوم‌سازی بنیان‌های اقتصاد ملی و بارورسازی آن در سال‌های پیش‌روست. یکی از الزامات تقویت بنیان اقتصادی کشور، تقویت یکی از ارکان مهم اقتصاد؛ یعنی نظام بانکی است. (خالقی، ۱۳۹۵: ۲)

همان‌طور که می‌دانیم، اقتصاد کشور ما بانک‌محور است؛ بنابراین، بانک‌ها به‌عنوان مهمترین عنصر بازار پولی، نقش بسیار مهمی را در اقتصاد کشور ایفا می‌کنند. با گسترش بازارهای مالی، فعالیت بانک‌ها و مؤسسات مالی ابعاد گسترده‌تری به خود گرفته و بی‌شک توسعه اقتصادی بدون توجه به نقش بانکداری و بازارهای پولی امکان‌پذیر نیست. بانک‌ها، اصلی‌ترین تأمین‌کننده منابع مالی بخش‌های واقعی اقتصاد (صنعت، کشاورزی و خدمات) محسوب شده و در کنار کارکرد اصلی خود (تجهیز و تخصیص بهینه منابع و ارائه خدمات متنوع به مشتریان)، همانند سایر مؤسسات اقتصادی به‌دنبال درآمدزایی و کسب سود هستند. در بازار پول، نهادهای مالی بانکی و نهادهای مالی غیربانکی بار اصلی نظام مالی را بر دوش می‌کشند و نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت منابع به‌سمت تولید و ایجاد ارزش افزوده در اقتصاد دارند. در واقع، آن‌ها با فعالیت‌های بی‌وقفه خود در تجهیز منابع مالی کوتاه‌مدت و بلندمدت، در پایین آوردن خطر سرمایه‌گذاری، تخصیص بهینه منابع، کاهش هزینه‌های معاملاتی و در نهایت رشد و رونق اقتصادی کشور نقش اساسی ایفا می‌کنند. (برادران شاهرودی و شیرافکن، ۱۳۹۴، ۳) از این‌رو، با توجه به این‌که بانک‌ها و مؤسسات مالی به‌عنوان نهادهای واسطه‌ای نقش مهمی را در نظام اقتصادی و توسعه و پیشرفت هر جامعه‌ای ایفا می‌کنند، درصدد برآمدیم تا در این پژوهش، نقش نظام بانکی را در اجرای اقتصاد پشتیبان تولید ملی تبیین و بررسی کنیم. (پیرایش و محمودی‌منش، ۱۳۹۵)

پیشینه پژوهش

دکتر آیت‌الله ابراهیمی، مدیرعامل بانک انصار، درخصوص نقش نظام بانکی در تحقق اقتصاد پشتیبان تولید ملی گفت: «از اقدامات بانکی در راستای تحقق سیاست‌های اقتصاد پشتیبان تولید ملی می‌توان به توسعه کارآفرینی، حداکثرسازی مشارکت اقتصادی آحاد جامعه، تقویت مشارکت جمعی، افزایش درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط اشاره کرد. برای بررسی نقش نظام بانکی در تحقق اقتصاد پشتیبان تولید ملی لازم است که نارسایی‌های درآمد حاصل از ارائه خدمات بانکی در ایران مورد ارزیابی قرار گیرد.» او در ادامه، عمده‌ترین نارسایی‌های درآمد حاصل از ارائه خدمات بانکی را نام برد و اظهار داشت: «فزونی هزینه خدمات بانکی نسبت به درآمد، جذب بخش عمده‌ای از کارمزد خدمات بانکی توسط بانک مرکزی، مسابقه بانک‌ها در عدم دریافت کارمزد و نبود فرهنگ اخذ کارمزد در بانک‌ها و جامعه جزئی از این نارسایی‌ها محسوب می‌شوند.» به اعتقاد وی، مشتریان بانک‌ها مسئله اخذ کارمزد را در کنار سود بالا در بانک اجحاف می‌دانند.

دکتر ابراهیمی ضمن اشاره به یک نمونه از بانک‌های کانادا، تأکید کرد: «اسکوشیابانک کانادا در ازای ارائه خدماتی نظیر نگهداری حساب‌های بانکی عمومی، ۳،۹۵ دلار در ماه، درخواست عدم پرداخت چک، ۱۲،۵ الی ۲۰ دلار در ماه و عدم فعالیت حساب طی دو سال، ۲۰ دلار در ماه کارمزد دریافت می‌کند.» او در ادامه بیان داشت: «این در حالی است که در ایران نسبت کارمزد بانک‌ها به‌کل درآمد مشاع و غیرمشاع در سال ۱۳۹۴ بالغ بر ۱۷ درصد بود. این نسبت در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ به‌ترتیب ۱۶،۳ و ۱۶ درصد بود. همچنین نسبت پوشش کارمزد بانک‌ها به هزینه اداری در سال ۱۳۹۴ رقمی بالغ بر ۲۵،۵ درصد بود».

مدیرعامل بانک انصار اظهار داشت: «قیمت تمام‌شده پول در صنعت بانکداری ایران به۲۰ تا ۲۸ درصد رسیده و قیمت تمام‌شده سپرده‌های مدت‌دار به‌طور متوسط ۲۷ درصد است.» او با ارائه پیشنهادهایی برای جلوگیری از بروز بحران بانکی افزود: «مدیران بانک‌ها باید در مورد قریب‌الوقوع بودن بحران بانکی اجماع داشته باشند و در خصوص کاهش سود سپرده‌ها حداکثر تا ۱۰ درصد با یکدیگر تفاهم کنند. نرخ سپرده قانونی توسط بانک مرکزی به ۵ درصد کاهش یابد و برای ارائه کلیه فعالیت‌های بانکی و تراکنش‌های بانکی به‌موازات کاهش سود بانکی، کارمزد دریافت شود». (بانک مرکزی جمهوری اسلامی، ۱۳۹۵)

جمال دامغانیان، عضو هیئت‌مدیره بانک ملی ایران درباره «نقش و جایگاه سیستم بانکی در اقتصاد پشتیبان تولید ملی» گفت: «در کشورهای توسعه‌یافته، بخش‌های مالی و حقیقی ارتباط معناداری با

یکدیگر دارند. به‌خصوص بخشی از فعالیت‌های مالی که به تجهیز منابع و هدایت آن به سوی طرح‌های سرمایه‌گذاری می‌پردازد، تأثیر بسزایی در رشد بخش حقیقی اقتصاد دارد. دستیابی به رشد بلندمدت و مداوم اقتصادی، نیازمند تجهیز و تخصیص بهینه منابع در سطح اقتصاد ملی است و این مهم بدون کمک بازارهای مالی به‌سهولت امکان‌پذیر نیست».

رنجبر و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان اقتصاد پشتیبان تولید ملی و راهکارهای عملیاتی‌کردن آن در نظام بانکی کشور بیان کردند که امروزه بانک‌ها به‌عنوان رکن اساسی در هدایت و مدیریت وجوه، جایگاه ویژه‌ای در رشد اقتصادی و کنترل تورم دارند. در این میان، گاهی سیستم اقتصادی و به‌تبع آن نظام بانکی با وضعیت جدیدی روبه‌رو می‌شود که برای مقابله با مسائل، ناچار به اتخاذ سیاست‌هایی می‌شود. کشور ما نیز همواره به‌دلیل وجود تحریم‌های مختلف، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سالیان سال است که با این مسائل دست و پنجه نرم می‌کند و در پی حل مسائل و مشکلات پیش‌آمده با کمک گرفتن از توان داخلی خود بوده تا بتواند همواره با اتخاذ سیاست‌های درست، در جهت جلوگیری از بروز بحران‌های اقتصادی و مالی موفق عمل کند. یکی از این راهکارها، اجرای سیاست‌های اقتصاد پشتیبان تولید ملی است. لذا، هدف از این پژوهش توصیفی که به‌صورت اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای انجام گرفته، ارائه راهکارهای عملیاتی کردن اقتصاد پشتیبان تولید ملی در نظام بانکی کشور است. با بررسی اسناد موجود، برخی از راهکارهایی را که در راستای اجرای سیاست‌های اقتصاد پشتیبان تولید ملی می‌توان به‌کار گرفت عبارتند از: افزایش سرمایه بانک‌ها، تهیه و طراحی نقشه راه بانکداری اسلامی و مجهزکردن سیاست‌های پولی به ابزارهای اسلامی، گسترش و ترویج فرهنگ ارزش‌آفرینی در بین کارکنان بانک، سنجش مداوم کارایی شعب و مجهز شدن به فناوری‌های نوین.

حسینی و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان تأثیر معوقات بانکی بر شاخص‌های اقتصاد پشتیبان تولید ملی بیان کردند که آینده نظام بانکداری کشور و جلوگیری از ورشکستگی بانک‌ها شدیداً تحت تأثیر روند مطالبات است و سیستم بانکی ایران به‌دلیل وجود عوامل مؤثر برون‌زا، نبود انگیزه درونی و جبر فضای اقتصادی به‌تنهایی قادر به حل این مشکل نیست. اصل نهم سیاست‌های کلی اقتصاد پشتیبان تولید ملی، بر اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی و اصل نوزدهم سیاست‌های کلی اقتصاد پشتیبان تولید ملی، بر شفاف‌سازی اقتصاد، سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری و ارزی تأکید می‌کند؛ اما حجم معوقات بانکی در بعد از انقلاب اسلامی، خصوصاً در سال‌های اخیر، حکایت دیگری را روایت می‌کند. معضل

مطالبات معوق به‌صورت زیرزمینی و بی‌سروصدا به‌روند صعودی فزاینده خود ادامه می‌دهد و با توجه به نقش گسترده بانک‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی و بانک‌محور بودن اقتصاد رانتی در ایران، فساد این حجم گسترده مطالبات معوق تقریباً به‌کل اقتصاد ایران گسترش خواهد یافت. البته، تقریباً همه به خطرناک‌بودن این حجم مطالبات معوق واقفند. در این خصوص با توجه به شاخص‌های اقتصاد پشتیبان تولید ملی، سوق‌دادن معوقات به‌سوی این شاخص‌ها، حرکت اقتصادی کشور را سریع‌تر کرده و رشد اقتصادی ۸ درصدی محقق خواهد شد. آنچه الزام‌آور است، تدوین قوانین عملیاتی برای دستیابی به معوقات و هدایت آن به‌سوی شاخص‌های اقتصاد پشتیبان تولید ملی است.

تاجدینی و حاجی شاهوردی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش بانک‌های توسعه‌ای در چشم‌انداز توسعه اقتصادی کشور ایران طی ده سال آینده (افق ۱۴۰۴) با رویکرد اقتصاد پشتیبان تولید ملی» بیان کردند که در پژوهش خود ضمن ارائه مدلی برای ارزیابی عملکرد بانکداری توسعه‌ای، به بررسی نقش بانک‌های توسعه‌ای در چشم‌انداز توسعه اقتصادی کشور ایران طی ده سال آینده (افق ۱۴۰۴)، با رویکرد اقتصاد پشتیبان تولید ملی در چهارچوب توابع باور و در قالب سه معیار توانایی پرکردن شکاف توسعه‌ای بخش مالی، توانایی بهبود فضای کسب و کار، توانایی ظرفیت‌سازی برای توسعه اقتصادی در دو جامعه آماری کارشناسان و فعالان شبکه بانکداری توسعه‌ای و استفاده‌کنندگان از خدمات بانکداری توسعه‌ای می‌پردازند. نتایج حاصل از تحقیق آشکار کرد که تأثیر سه عامل اصلی ارزیابی نقش بانک‌های توسعه‌ای در چشم‌انداز توسعه اقتصادی کشور ایران (افق ۱۴۰۴)، با رویکرد اقتصاد پشتیبان تولید ملی از دیدگاه دو جامعه مطالعاتی کارشناسان و فعالان شبکه بانکداری توسعه‌ای و استفاده‌کنندگان از خدمات این شبکه بانکی متفاوت است. از دیدگاه کارشناسان و فعالان شبکه بانکداری توسعه‌ای کشور، عامل توانایی بانکداری توسعه‌ای در ظرفیت‌سازی برای توسعه اقتصادی با باور ۰.۷۲۳ در رتبه اول اهمیت و عوامل توانایی بانکداری توسعه‌ای در پرکردن شکاف توسعه‌ای بخش مالی با باور ۰.۶۴۵ و عامل توانایی بانکداری توسعه‌ای در بهبود فضای کسب و کار با باور ۰.۵۴۲ به‌ترتیب در رتبه دوم و سوم اهمیت قرار گرفته‌اند. این در حالی است که از دیدگاه استفاده‌کنندگان خدمات شبکه بانکداری توسعه‌ای، عامل توانایی بانکداری توسعه‌ای در پرکردن شکاف مالی توسعه‌ای با باور ۰.۶۵۲ در رتبه اول اهمیت و عوامل توانایی بانکداری توسعه‌ای در بهبود فضای کسب و کار با باور ۰.۶۵ و توانایی بانکداری توسعه‌ای در ظرفیت‌سازی برای توسعه اقتصادی با باور ۰.۵۲۸ در رتبه سوم اهمیت قرار گرفته‌اند.

نساجیان (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش اقتصاد پشتیبان تولید ملی در طراحی نظام بانکی» بیان کرد که اقتصاد پشتیبان تولید ملی که موجبات قوام جامعه اسلامی است، مبتنی بر پایه‌های منابع داخلی است که در برابر فشار و تحریم دچار بحران نمی‌شود و به مفهوم توانایی اقتصاد برای بازگشت به کارکرد عادی پس از مواجهه با بحران است. اقتصاد پشتیبان تولید ملی یک استراتژی بلندمدت و دائمی است که باعث می‌شود اقتصاد برحسب ویژگی‌هایی همانند: جهادی، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو، برون‌گرا، مبتنی بر نوآوری و دانش‌بنیان‌بودن، مقاوم شود. بانکداری اسلامی که جزء نهادهای اساسی و پایه‌ای اقتصاد، بالأخص اقتصاد اسلامی است، می‌تواند با ظرفیت بالقوه و بالفعل خود و بهبود فضای کسب و کار و درگیرکردن بخش واقعی اقتصاد، زمینه‌ساز اقتصاد پشتیبان تولید ملی شود. در این مقاله سعی داریم با توجه به مقالات اخیر در این زمینه، نقش اقتصاد پشتیبان تولید ملی را در طراحی نظام بانکی بیان کنیم.

ابراهیم‌پور و یدالله‌زاده چاری (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «تبیین نقش و جایگاه بانکداری اسلامی در توسعه اقتصاد پشتیبان تولید ملی» بیان کردند که اقتصاد پشتیبان تولید ملی یکی از مسائلی است که در سال‌های اخیر مورد تأکید جدی مقام معظم رهبری قرار گرفته است. در موضوع اقتصاد پشتیبان تولید ملی، تعابیر متنوع و متفاوتی در ادبیات اقتصادی رایج شده، تعبیری که معنای اصطلاحی (و نه لغوی) آن را به تعریف مقام معظم رهبری نزدیک می‌کند، فَنَریّت است. همچنین، بانک و بانکداری نیز که قلب تپنده هر اقتصاد و جاری‌کننده خون در رگ‌های اقتصادی جامعه است، باید در حکومت اسلامی کاملاً منطبق با موازین اسلام اداره شود تا به‌عنوان پایه و اساس اقتصاد اسلامی نقش مؤثری را ایفا کند. اقتصاد ایران بر پایه پول استوار است و حدود ۶۰ درصد آن را بازار پولی تشکیل می‌دهد و همچنین، حدود یک‌سوم از سهم اقتصاد متعلق به سهم بازار سرمایه است که این مورد توجه به بانکداری اسلامی را دوچندان می‌کند. مقاله حاضر، پس از تعریف مفهوم اقتصاد پشتیبان تولید ملی و استخراج مؤلفه‌های آن بر اساس نقاط آسیب‌زای اقتصاد، سعی در تبیین راهبرد توسعه بانکداری اسلامی جهت تحقق اقتصاد پشتیبان تولید ملی دارد. به این منظور در مرحله بعد، به‌تبیین اقتصاد بانکداری اسلامی در توسعه اقتصاد کشور می‌پردازد. در ادامه، تعریف، ویژگی‌ها و کارکردهای بانکداری اسلامی ارائه می‌شود و در نهایت چگونگی تأثیرگذاری بانکداری اسلامی بر مؤلفه‌های اقتصاد پشتیبان تولید ملی بررسی خواهد شد.

برادران شاهرودی و شیرافکن (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش سیاست‌های بانکی در تحقق اقتصاد پشتیبان تولید ملی» بیان کردند که نظام بانکی نقش بی‌بدیلی در تأمین مالی

فعالیت‌های اقتصادی و گردش منابع مالی دارد و به‌عنوان یک رکن اساسی در نظام اقتصادی می‌تواند سهم عمده‌ای در تحقق و اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد پشتیبان تولید ملی داشته باشد. با وجود این، به نظر می‌رسد هنوز آن‌گونه که باید، شبکه بانکی کشور همسو با سیاست‌های کلی اقتصاد پشتیبان تولید ملی حرکت نمی‌کند. از ویژگی‌های مهم اقتصاد پشتیبان تولید ملی، ایجاد توان تولید در داخل و انعطاف‌پذیری حوزه مختلف اقتصادی در مواجهه با بحران‌های گوناگون با منشأ داخلی یا خارجی است. بر این اساس، بانک‌ها بر مبنای کارکرد تعریف شده خود، به‌عنوان تأمین‌کننده یا واسطه مالی می‌توانند با تأمین به‌موقع و مناسب منابع مالی مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی و نیز با اتخاذ روش‌های ساده و شفاف در ارتباط با مشتریان خود، نقش ممتازی در بهبود فضای کسب و کار و تحقق اقتصاد پشتیبان تولید ملی ایفا کنند. لازم است برخی اقدامات و تحولات به‌منظور مقاوم‌تر کردن شبکه بانکی، چه در اوضاع عادی و چه در اوضاع بحرانی، صورت گیرد. یادداشت حاضر به بررسی نقش سیاست‌های بانکی بر تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد پشتیبان تولید ملی می‌پردازد.

مبانی نظری

مبانی نظری اقتصاد پشتیبان تولید ملی

اقتصاد پشتیبان تولید ملی

بنا به تعریف برخی از اقتصاددانان از اقتصاد پشتیبان تولید ملی، این نوع اقتصاد معمولاً در مقابله و مبارزه با اقتصاد وابسته و مصرف‌کننده یک کشور قرار می‌گیرد که منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه، ایستادگی کرده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی‌سازی آن بر اساس جهان‌بینی و اهداف دارد. برای تداوم این نوع اقتصاد باید هر چه بیشتر به‌سمت محدودکردن استفاده از منابع نفتی و رهایی از اتکای اقتصاد کشور به این منابع حرکت کرد و توجه داشت که اقتصاد پشتیبان تولید ملی در موقعیتی معنا می‌یابد که جنگی وجود داشته باشد و در برابر جنگ اقتصادی و همچنین جنگ نرم دشمن است که اقتصاد پشتیبان تولید ملی معنا پیدا می‌کند.

اقتصاد پشتیبان تولید ملی به معنی تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثرکردن آن تأثیرهاست و در وضعیت آرمانی، تبدیل چنین فشارهایی به فرصت است. همچنین، برای رسیدن به اقتصاد پشتیبان تولید ملی باید وابستگی‌های خارجی کاهش یابد و بر تولید داخلی کشور و تلاش برای خوداتکایی تأکید شود. طبق نظر دولت‌مردان ایران در تعریف اقتصاد پشتیبان تولید ملی، ضرورت مقاومت برای ردکردن فشارها و عبور از سختی‌ها برای رسیدن به نقاط مثبت

ملی نیاز است. (فشاری و پورغفار،۱۳۹۳: ۳)، برخی از اقتصاددانان نیز اقتصاد پشتیبان تولید ملی را چنین تعریف کرده‌اند:

اقتصاد پشتیبان تولید ملی را می‌توان چهارگونه تعریف کرد و چهار الگو از آن یا ترکیبی از همه آن‌ها را در کشور به‌عنوان پروژه‌هایی ملی پیگیری کرد.

۱- اقتصاد موازی

این الگو در مدل‌های حکمرانی مرسوم در دنیا و اتفاقاً در کشورهایی وجود دارد که از تجربه و توان حکمرانی بیشتر و نظام‌های چندلایه سیاست‌گذاری و اداره امور عمومی برخوردارند. برای مثال، می‌توانیم از حضور همزمان نهادهای دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد، خیریه و بنگاه‌های خصوصی در عرصه بهداشت و سلامت یا حتی در عرصه دفاعی و امنیتی کشورهای توسعه‌یافته غربی نام ببریم. البته، مهمترین مشکل این الگو این است که حسب نیازهای خاص انقلاب اسلامی و در عرصه اجرا با سؤالات نوینی روبه‌رو خواهد بود؛ زیرا، هیچ تصوری از «بانک مرکزی موازی» در یک کشور و سامان‌بخشی به عرصه پولی- مالی کشور در دو لایه دولتی و عمومی وجود ندارد؛ اما، باز هم منطقاً نمی‌توان این الگو را در زمره مدل‌های اداره‌نشدنی و غیرمعقول به‌حساب آورد.

۲- اقتصاد ترمیمی

تعریف دوم از اقتصاد پشتیبان تولید ملی عبارت است از: اقتصادی که در پی «مقاوم‌سازی»، «آسیب‌زدایی»، «خلل‌گیری» و «ترمیم» ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است؛ یعنی باید ترک‌های ساختاری دیوار نهادهای اقتصادی را ترمیم کنیم. این مسئله، یعنی ترمیم و مقاوم‌سازی ساختارهای اجرایی و اداری کشور حسب نیازهای مختلف و مقتضیات زمان و مکان نیز امری دور از ذهن نیست. کشورهای توسعه‌یافته نیز در برهه‌هایی از تاریخ اقتصادی خود، مجبور به مقاوم‌سازی ساختارهای اقتصادی شدند. برای مثال، غرب پس از دو شوک نفتی ۱۹۷۹ و ۱۹۸۳ میلادی، نسبت به جایگزینی سوخت‌های فسیلی با سایر سوخت‌های نوین اقدام کرد. با این توضیحات، ما امروز فقط نیازمند عزم ملی برای اجرای این پروژه ملی و ارزشی هستیم.

۳- اقتصاد دفاعی

اقتصاد دفاعی، زیرساخت دیگری از اقتصاد پشتیبان تولید ملی محسوب می‌شود که به مقاوم‌سازی استراتژی‌های اقتصادی کشور علیه هجمه دشمن کمک می‌کند. در این تعریف، سیستم به‌دنبال ابزارها و شیوه‌های نوین در راستای تدوین و اجرای استراتژی مقاومتی است.

٤- اقتصاد الگو

چهارمین تعریف نیز این است که اساساً اقتصاد پشتیبان تولید ملی یک رویکرد کوتاه‌مدت سلبی و اقدامی صرفاً پدافندی نیست. برخلاف سه تعریف قبلی که اقتصاد پشتیبان تولید ملی را یا پدافندی یا کوتاه‌مدت می‌دانستند، این رویکرد چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می‌شود. در این مقوله است که اقتصاد پشتیبان تولید ملی مشتمل بر اقتصاد کارآفرینی و ریسک‌پذیری و نوآوری می‌شود و رویکردی دوراندیشانه دارد که علاوه بر در نظرگرفتن اقتصاد اسلامی که پایه و ساختار اصلی اقتصاد کشور ماست، به بعد اسلامی–ایرانی و بومی‌بودن آن نیز توجه مطلوب دارد. (سایت بسیج کارمندان، ۱۳۹۲)

سیاست‌های کلی اقتصاد پشتیبان تولید

با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سیاست‌های کلی اقتصاد با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا ابلاغ می‌شود.

۱- تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به‌منظور توسعه کارآفرینی و به‌حداکثررساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقا درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط.

۲- پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان، اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به‌منظور ارتقا جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به‌رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه.

۳- محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و به‌کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور.

۴- استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری و ارتقا شاخص‌های عدالت اجتماعی.

۵- سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آن‌ها در ایجاد ارزش، به‌ویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقا آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه.

۶- افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به‌ویژه در اقلام وارداتی) و اولویت‌دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص.
۷- تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا).
۸- مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقا کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید.
۹- اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی.
۱۰- حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به‌تناسب ارزش‌افزوده و با خالص ارزآوری مثبت از طریق:
- تسهیل مقررات و گسترش مشوق‌های لازم.
- گسترش خدمات تجارت خارجی و ترانزیت و زیرساخت‌های مورد نیاز.
- تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات.
- برنامه‌ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل‌دهی بازارهای جدید و تنوع‌بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به‌ویژه با کشورهای منطقه.
- استفاده از ساز و کار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز.
- ایجاد ثبات روند و مقررات در مورد صادرات با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف.
۱۱- توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به‌منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج.
۱۲- افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از طریق:
- توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به‌ویژه همسایگان.
- استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی.
- استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای.
۱۳- مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز از طریق:
- انتخاب مشتریان راهبردی.
- ایجاد تنوع در روش‌های فروش.

– مشارکت‌دادن بخش خصوصی در فروش.
– افزایش صادرات گاز.
– افزایش صادرات برق.
– افزایش صادرات پتروشیمی.
– افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی.

۱۴– افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور به‌منظور اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز، به‌ویژه در میدان‌های نفتی مشترک.

۱۵– افزایش ارزش‌افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازده بهینه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی) و بالابردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع.

۱۶– صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی‌سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور و هزینه‌های زائد.

۱۷– اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی.

۱۸– افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت.

۱۹– شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و...

۲۰– تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش‌افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه.

۲۱– تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان‌سازی آن به‌ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی.

۲۲– دولت مکلف است برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هماهنگ‌سازی و بسیج پویای همه امکانات کشور، اقدامات زیر را معمول دارد:

– شناسایی و به‌کارگیری ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب.
– رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن.

– مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و بهنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی.

۲۳– شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار.

۲۴– افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن. (www.leader.ir)

سیاست‌های کلی اقتصاد پشتیبان تولید ملی با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی جهت رفع ضعف‌های نهادی موجود تدوین شده‌اند. با ابلاغ این سیاست‌ها، نه تنها دستیابی به رشد اقتصادی پایدار در بالاترین سطح نظام تصمیم‌گیری کشور به‌عنوان هدف مورد تأکید قرار گرفته، بلکه دو ویژگی درون‌زایی و برون‌گرایی برای رشد اقتصادی آینده نیز در آن ذکر شده است.

بندهای ۹ و ۱۹ این سیاست‌ها ناظر به نظام پولی و مالی است که به‌ترتیب بر اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی اقتصاد همراه با شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، ارزی و غیره تأکید دارد.

از دیگر اهداف اصلی اقتصاد پشتیبان تولید ملی، کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد از مخاطرات جهانی است. آسیب‌پذیری اقتصاد ایران از مخاطرات جهانی به تجارت خارجی کشور بستگی دارد. این مسئله ناشی از برون‌گرابودن نیست، بلکه به استفاده از منابع ناپایدار در تجارت جهانی بازمی‌گردد. به‌لحاظ شاخص‌های بین‌المللی مقاومت اقتصادی، جایگاه ایران در میان کشورهای جهان کاهش یافته است. (لواسانی، ۱۳۹۱)

اقتصاد ایران نشان داد که در مواجهه با تکانه‌های خارجی دارای شکنندگی بسیار بالایی است و در برابر فشارهایی مانند تحریم‌های خارجی به‌سادگی آسیب می‌بیند. بنابراین، تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی بایستی از اهداف اساسی و به‌عنوان محور کلیه برنامه‌ریزی‌ها و جهت‌گیری‌های اقتصادی باشد.

بررسی اجزای شاخص ترکیبی مقاومت اقتصادی برای کشور نشان می‌دهد که ناکارایی بازارهای مالی، تداوم کسری بودجه و... مهمترین عوامل کاهش مقاومت اقتصاد ایران بوده‌اند. در حوزه تأمین مالی، اقتصاد بانک‌محور ایران با مشکلات متعدد بدهی‌های کلان دولت به سیستم بانکی، سلطه مالی دولت بر نظام بانکی، سهم بالای مطالبات غیرجاری و اتکای روزافزون بانک‌ها به بانک مرکزی روبه‌روست.

وضعیت نامطلوب مالی، تنگنای مالی را به بزرگترین مشکل موجود اقتصاد ایران تبدیل کرده است که عدم حل درست این مشکل، به تزریق انبوه نقدینگی به اقتصاد منجر خواهد شد که حاصل آن، نه تنها از دست رفتن دستاورد کنترل تورم، بلکه تشدید مشکل رکود هم خواهد بود. بنابراین، چهارچوب سیاست اقتصاد پشتیبان تولید ملی برای رویارویی با شوک‌های نامطلوب، سیاست‌هایی به شرح زیر قابل پیشنهاد است. (ابراهیمی، ۱۳۹۱)

- ثبات اقتصاد کلان از طریق:

- سیاست‌های کاهش تورم.
- ثبات اقتصاد کلان با پیش‌بینی‌پذیرکردن فضای کسب و کار.
- ایجاد زمینه برای تجهیز منابع سرمایه‌گذاری برای فعالیت‌های مولد.
- اصلاحات نهادی و ساختاری در سیاست‌گذاری‌های پولی و مالی.
- هدف‌گذاری مناسب نرخ ارز و کنترل نوسانات آن.
- توسعه بازارهای مالی برای تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی.
- مدیریت متغیرهای اثرگذار بر تورم آتی –پرداخت نقدی یارانه‌ها، کسری بودجه و پایه پولی.
- اصلاحات بنیادین مورد نیاز در ساختار سیاست پولی و مالی برای پایدارکردن تورم تک‌رقمی.

- توسعه و اصلاح نظام مالی کشور از طریق:

- بازسازی مؤسسات بانکی با اهرم‌زدایی از نظام بانکی.
- مهندسی مجدد ساختار نظام مالی به‌طور عام و بخش پولی به‌طور خاص.

- مدیریت مطالبات معوق از طریق:

- افزایش میزان سرمایه بانک‌ها.
- پاک‌سازی ترازنامه از دارایی‌های سمی.

محورهای اساسی اقتصاد پشتیبان تولید ملی

برخی از محورهای اساسی و مهم اقتصاد پشتیبان تولید ملی عبارتند از:

- حمایت از تولید ملی
- سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی
- توجه به نخبگان و استفاده از فناوری نوین

- مهمترین چالش‌های پیش‌روی نظام بانکی:

- **تحریم:** این تحریم‌ها هزینه‌های سیستم بانکی و فعالان اقتصادی را افزایش داده است.
- **سودآوری:** یکی از منابع اصلی سودآوری بانک‌ها، خدمات بانکداری بین‌الملل است که با توجه به تحریم‌ها، این بخش از درآمدها به‌طور کامل تحقق نمی‌یابد و نظام بانکی به‌ناچار باید به ایجاد سود از محل‌های دیگر و نیز بانکداری داخلی روی آورد. در بانکداری داخلی، عمده‌ترین منبع درآمدی، سود حاصل از تسهیلات اعطایی است. در اواخر سال گذشته نرخ سود سپرده‌ها به‌دلایلی بالاتر رفت و حال آن که در طرف مقابل یعنی سود تسهیلات، افزایش به‌اندازه و متناسبی با این تغییر نداشت و درنتیجه این امر، کاهش اسپرد (Spread) بانکی و درنتیجه کاهش سود آوری بانک‌ها را موجب شد.
- **بانکداری بخشی و صنفی:** در سال‌های اخیر گروه‌های مختلف رأساً درخواست تأسیس بانک مختص به خود را داده و در بسیاری از موارد نیز موفق به اخذ مجوز از بانک مرکزی شده‌اند. این وضعیت می‌تواند به‌عنوان یک چالش محسوب شود.
- **مطالبات غیرجاری:** یکی دیگر از چالش‌های شبکه بانکی، مشکلی به نام مطالبات غیرجاری یا در اصطلاح عام، مطالبات معوق است. افزایش نرخ سود تسهیلات، رکود ناشی از بحران‌های مالی و اقتصادی در دنیا، عدم تعمیق و گسترش بازار و بوروکراسی‌های اداری در نظام اداری و قضایی کشور، همگی بر حجم مطالبات غیرجاری بانک‌ها افزوده‌اند. در گذشته که بخش اعظم سیستم بانکی دولتی بود، این مشکل چندان نمودی نداشت؛ اما، در دو سال اخیر وقتی که بانک‌های خصوصی و خصوصی‌شده به‌واسطه ذخایر مورد نیاز برای مطالبات غیرجاری، سودآوری خود را در خطر دیدند، به این موضوع توجه بیشتری کردند.
- **فناوری و نوآوری:** از مهمترین چالش‌ها در بانک‌ها، کم‌توجهی به رشد فناوری و نوآوری در بانک‌هاست. بانک‌ها با ساختار و سیستم‌های سنتی و با توجه به ساختار و مقررات سخت و عدم رقابت بین‌المللی از یک‌سو و بالابودن هزینه‌های ارتقای تکنولوژیک از سوی دیگر، به رشد فناوری و نوآوری سخت محتاج هستند.
- **قوانین و مقررات و نظارت:** قوانین ناظر بر عملیات بانک‌ها به‌دلیل تعدد، زمان‌بر بودن برای روزآمدی و مشکل جامعیت، انسجام کافی را برای سیستم بانکی ندارد.

هدف اقتصاد پشتیبان تولید ملی

بی‌شک، هدف از این نوع اقتصاد، بازسازی و احیای اقتصاد ملی است. این اقتصاد، مردمی است و از ظرفیت‌های مردم و نخبگان در آن استفاده می‌شود. ضمن این‌که از دانش فنی دنیا هم در آن استفاده می‌شود و هماهنگ با سیاست‌های کلان سیاسی و امنیتی نظام اسلامی و برای مقاومت در برابر اقدامات تخریبی شکل می‌گیرد تا بتواند در برابر ضربات اقتصادی تحریم‌ها و توطئه‌های گوناگون اقتصادی نظام استکبار مقاومت کرده و توسعه و پیشرفت خود را ادامه دهد و روند روبه‌رشد همه‌جانبه خود را در ابعاد ملی، منطقه‌ای جهانی حفظ کند. اقتصاد پشتیبان تولید ملی، رابطه نزدیکی با انسجام ملی دارد. (مراد، ۱۳۹۱: ۲۰) به‌طور خلاصه برخی از اهداف اقتصاد پشتیبان تولید ملی عبارتند از:

- ایجاد ایمنی در برابر بحران‌ها و تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی
- افزایش کارایی نظام اقتصادی کشور
- توسعه سرمایه‌های انسانی و اجتماعی
- تکریم کار و ارتقای فرهنگ کار و نظام سرمایه‌گذاری در کشور
- فعال‌سازی بخش خصوصی به‌عنوان موتور و محرک اصلی رشد اقتصادی و صنعتی کشور
- حمایت از تولید ملی و تشویق مردم به حمایت از تولیدات داخلی
- محدودسازی اقتصاد دولتی و آزادسازی اقتصاد

شاخص‌های اقتصاد پشتیبان تولید ملی

الف- شاخص اصلی، رشد اقتصادی: رهبر انقلاب، شاخص اصلی را در تعیین موفقیت یا عدم موفقیت، حصول رشد اقتصادی پرشتاب می‌دانند که حداقل قابل‌قبول آن میزان پیش‌بینی شده در برنامه پنجم است.

ب- افزایش بهره‌وری، عامل رسیدن به هدف: یکی از عوامل رسیدن به رشد اقتصادی بالا در کشور، افزایش بهره‌وری است. با افزایش بهره‌وری در اقتصاد، بدون افزایش سرمایه‌گذاری می‌توان به تولید و ارزش‌افزوده بسیار بیشتر دست یافت. این مسئله در کشوری که شاخص بهره‌وری آن به‌صورت سنتی پایین است، بسیار حائز اهمیت است. نکته مهم در افزایش سهم بهره‌وری، توجه به‌ضرورت آموزش مردم است؛ زیرا، بهره‌وری در ارتباط تنگاتنگ با مفهوم انسانی است و در صورت عدم تغییر نیروی انسانی نمی‌توان انتظار تغییر قابل ملاحظه‌ای در شاخص بهره‌وری داشت.

پ- کاهش شاخص بیکاری و افزایش اشتغال: شاخص کاهش میزان بیکاری یکی از شاخص‌های نشان‌دهنده میزان رونق اقتصادی در کشور است و طبیعی است که در یک اقتصاد پویا و روبه‌رشد این شاخص روند کاهشی خواهد داشت؛ زیرا در پی رونق اقتصادی و گسترش تولید، تعداد بیشتری از مشاغل و نیروی کار لازم خواهد بود.

ت- شاخص گسترش فعالیت بخش خصوصی: کاسته شدن از حجم تصدی دولت در اقتصاد که به‌منزله افزایش فعالیت بخش خصوصی و تعاونی است، همواره از عوامل افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی و حرکت به‌سمت رونق اقتصادی محسوب شده است. مسئله افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کمک به بخش خصوصی تا بتواند در زمینه مسائل اقتصادی کشور سرمایه‌گذاری کند، از مسائل مهم و اساسی است.

ث- تشکیل سرمایه‌های بزرگ

ج- استفاده بهینه از منابع یا صرفه‌جویی در موارد اساسی

چ- مشارکت مردم. (خلیلی، ۱۳۹۱: ۵۲)

شاخص‌های ارزیابی برنامه‌های اقتصاد پشتیبان تولید ملی (شاخص‌های حوزه اقتصاد کلان)

الف- تحقق رشد پویا

ب- کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد

پ- افزایش انعطاف‌پذیری اقتصاد

شاخص‌های مرتبط با برنامه‌های ملی اقتصاد پشتیبان تولید ملی (مصوب ستاد فرماندهی اقتصاد پشتیبان تولید ملی)

۱- برنامه ملی ارتقای بهره‌وری

۲- برنامه ملی پیشبرد برون‌گرایی اقتصاد (توسعه صادرات غیرنفتی)

۳- برنامه ملی ارتقای توان تولید ملی (درون‌زایی اقتصاد)

۴- برنامه ملی عدالت‌بنیان‌کردن اقتصاد و توسعه عدالت اجتماعی

۵- برنامه ملی برقراری انضباط مالی در بخش عمومی و قطع وابستگی بودجه به نفت

۶- برنامه ملی توسعه اقتصاد دانش‌بنیان

۷- برنامه ملی گفتمان‌سازی و فرهنگ‌سازی اقتصاد پشتیبان تولید ملی

۸- برنامه ملی شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصاد

۹- برنامه ملی توسعه ظرفیت تولید نفت و گاز و تکمیل زنجیره پایین‌دستی و توسعه بازار

۱۰- برنامه ملی- مردمی‌کردن اقتصاد. (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۹۵)

مؤلفه‌ها و مضامین اصلی اقتصاد پشتیبان تولید ملی

اقتصاد پشتیبان تولید ملی به‌عنوان یک مکتب جدید اقتصادی از مؤلفه‌ها و مضامینی برخوردار است که این جامعیت و رشدیافتگی در سایر مکاتب یا رویکردهای اقتصادی دیده نمی‌شود. اقتصاد پشتیبان تولید ملی با هدف تقویت ساخت درونی قدرت، این مضامین را مورد توجه قرار داده است. ساخت (Constrct) دربرگیرنده مفهوم و معنایی است که از اجزای پیکره قدرت مطرح می‌شود.

بدیهی است، توانمندشدن و استحکام ساخت درونی قدرت، تاب‌آوری را افزایش داده و آسیب‌پذیری را کاهش می‌دهد. این نتایج نه به‌عنوان نتایج اولیه (output)، بلکه به‌عنوان پیامد و نتایج ثانویه (outcome) استحکام ساخت درونی قدرت به‌وجود می‌آیند. این مؤلفه‌ها که در مجموعه و در تعامل با هم پیکره واحد اقتصاد پشتیبان تولید ملی را پدید می‌آورند عبارتند از:

۱- **عدالت:** عدالت در سه بعد عدالت توزیعی، عدالت مراوده‌ای و عدالت رویه‌ای مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است. آنچه در منظر اقتصادی همواره مورد توجه بوده، عدالت توزیعی است. حال آن که باید توجه داشت که عدالت رویه‌ای نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است. چرا که بدون وجود آن، عدالت توزیعی نیز استمرار و کارآمدی نخواهد داشت. قواعد بازی اقتصادی، فرایندهایی هستند که رعایت عادلانه آن، موضوع عدالت رویه‌ای در اقتصاد پشتیبان تولید ملی است و عدالت توزیعی نیز با رویکرد ارتقا درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط در اقتصاد مطرح است. بر همین اساس، تسهیل همکاری‌های جمعی مورد توجه قرار گرفته و از این طریق است که عدالت به معنای واقعی آن استقرار می‌یابد.

۲- **مشارکت حداکثری آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی:** رویکردهای اقتصادی مختلف در خصوص نقش مردم در اقتصاد، آرای متفاوتی دارند ولی در اقتصاد پشتیبان تولید ملی، بر آمده از اصل ۴۳ قانون اساسی، فراهم‌کردن زمینه کار و فعالیت اقتصادی برای کسانی که توانایی لازم را دارند، هدف‌گذاری شده است. این مؤلفه بیان‌کننده نقش مولد و فعال برای مردم است و با رویکرد اسلام به نقش مردم در اقتصاد که آن‌ها را تولیدکننده و فعال می‌خواهد، انطباق کامل دارد.

۳- **اقتصاد دانش‌بنیان:** در اقتصاد پشتیبان تولید ملی، به اقتصاد دانش‌بنیان توجه ویژه‌ای شده است. اقتصادی که محصول پرکردن شکاف بین علم، فناوری و ثروت است. ایده‌های خلاقانه،

جمعیت جوان تحصیل‌کرده، زیرساخت‌های موجود در کشور، همگی این زمینه را برای حرکت به‌سوی اقتصاد دانش‌بنیان فراهم کرده‌اند.

٤- **درون‌زایی، تولیدگرایی و توجه به بخش واقعی اقتصاد:** در اقتصاد پشتیبان تولید ملی بر تبدیل‌کردن منابع و ظرفیت‌های داخلی به قابلیت‌ها و توانایی‌ها تأکید می‌شود. کشور دارای منابع فراوانی در جنبه‌های مختلف است. در بُعد جمعیتی، منابع و معادن، اقلیم، موقعیت جغرافیایی راهبردی، قرار گرفتن در مسیر شاهراه‌های تجاری جهان و... همه منابع و ظرفیت‌هایی هستند که توجه به آن‌ها به‌شکل صحیح می‌تواند آن‌ها را به قابلیت‌ها و توانایی‌ها تبدیل کند که محصول آن توانایی‌ها، تقویت مزیت‌های نسبی کشور خواهد بود و این در پرتو توجه به بخش واقعی اقتصاد از منظرهای مختلف پولی، مالی و تجاری امکان‌پذیر است.

٥- **واکنش هوشمند و فعال در برابر تحریم‌ها و فشارها:** این مؤلفه از اقتصاد پشتیبان تولید ملی، دربرگیرنده سیاست‌های دقیقی در حوزه‌های مختلف است که بر اثر اجرای صحیح آن‌ها، تاب‌آوری اقتصادی افزایش می‌یابد و آسیب‌پذیری آن از تحریم‌ها کاهش می‌یابد. این به آن معناست که اقتصاد ایران اسلامی در معرض دشمنی‌ها و تهاجم‌های اقتصادی خواهد بود و تحریم با شکل‌های مختلف و به بهانه‌های مختلف ادامه خواهد داشت. لذا تا رسیدن به یک جایگاه اقتصادی که بر اثر استحکام ساخت درونی قدرت، هرگونه دشمنی و تحریم با اقتصاد ایران بی‌ثمر شود باید با استفاده از هوشمندی لازم، واکنش فعال داشت و منفعلانه عمل نکرد.

٦- **مدیریت و اصلاح مصرف و افزایش بهره‌وری:** جهت‌گیری اقتصاد پشتیبان تولید ملی بر مدیریت بهینه منابع است به‌گونه‌ای که با هدف ارتقای بهره‌وری منابع به شکلی صحیح مورد استفاده قرار گیرند. فقدان یک تصویر واقعی از وضعیت بهره‌وری در ایران موجب طرح دیدگاه‌هایی شده که عدم اتکای آن‌ها با مبانی علمی، استنادپذیری و اعتبار آن‌ها را دچار خدشه می‌سازد. در این مسیر، اقتصاد پشتیبان تولید ملی، توجه ویژه‌ای را دارد و بر همان اساس، اصلاح الگوی مصرف را هدف‌گیری کرده است. این موضوع در گذشته از سوی مقام معظم رهبری مورد توجه جدی قرار گرفته و علاوه بر نام‌گذاری یک سال با این عنوان، سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف را نیز ابلاغ فرمودند. اهتمام در اجرای آن سیاست‌ها یک راهکار اساسی در نیل به اهداف اقتصاد پشتیبان تولید ملی است.

۷- **خوداتکایی در تأمین نیازهای اساسی جامعه:** خوداتکایی در تأمین نیازهای اساسی جامعه مستلزم رونق فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی در حوزه نیازهای اساسی است. این نیازها که به‌طور

عمده در نیازهای غذایی و دارویی مطرح می‌شوند، دارای یک زنجیره ارزش‌افزای طولانی هستند که فعال‌کردن آن‌ها برای رسیدن به خوداتکایی نیازمند یک برنامه منسجم در حوزه سیاست‌های پولی، مالی و تجاری است و علی‌الاصول کشور با توجه به زیرساخت‌های موجود در این زمینه از مزیت بسیار برجسته‌ای برخوردار است و می‌تواند علاوه بر تأمین نیازهای اساسی جامعه، پیوندهای حیاتی با سایر کشورها در این زمینه برقرار سازد.

۸- **برون‌گرایی، تجدید آرایش در روابط اقتصادی و مبادلات بین‌المللی:** برخلاف اعتقاد برخی که کشور را در رقابت جهانی ناتوان می‌دانند، واقعیت آن است که کشور در حوزه‌های مختلف حتی در وضعیت کنونی، قدرت رقابت با دیگران را دارد و ظرفیت‌های بالقوه فراوان دیگری نیز وجود دارد که می‌توان با سیاست‌گذاری و مدیریت صحیح، آن ظرفیت‌ها را به قابلیت و توانمندی تبدیل کرد. کم‌توجهی به این ظرفیت‌ها و راحت بودن واردات، برخی را دچار این باور کرده که کشور فاقد توانمندی است. برون‌گرایی، حلقه مکمل درون‌زایی است و اقتصاد پشتیبان تولید ملی را به حرکت در سطح استانداردهای جهانی هدایت می‌کند. آنچه در اقتصاد پشتیبان تولید ملی مورد نظر است، توانمندی تولید در طراز جهانی است.

۹- **سلامت و امنیت اقتصادی:** اقتصاد پشتیبان تولید ملی به زیرساخت اساسی پیشرفت اقتصادی که همان امنیت اقتصادی است، توجه ویژه‌ای دارد و در حوزه سلامت اقتصادی نیز این پیام را می‌دهد که: برخلاف برخی گفتمان‌های غلط که درصدی از خطا و فساد را ویژگی پیشرفت و هزینه آن می‌پندارند، پیشرفت توأم با سلامت را هدف‌گیری کرده است.

نقشه راه اقتصاد پشتیبان تولید ملی

مرور اجمالی این ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد پشتیبان تولید ملی با این هدف صورت گرفت که در ذیل هر یک از آن‌ها بتوانیم نقش‌آفرینان اصلی و سیاست‌های پولی، مالی، تولیدی و تجاری را شناسایی کنیم.

در یک نگاه اجمالی به ابعاد اقتصاد پشتیبان تولید ملی، دریافتیم در تمامی این حوزه‌ها، تأمین مالی نقش اهرمی دارد و عامل حیاتی موفقیت در روند تحقق اقتصاد پشتیبان تولید ملی است. در مسیر تأمین مالی انواع روش‌های تأمین مالی بایستی مورد توجه قرار گیرند و تنوع در روش‌ها و کثرت‌گرایی در ساز و کارهای تأمین مالی لازمه حرکت در مسیر تحقق اقتصاد پشتیبان تولید ملی

است. ولی در حوزه‌هایی، نوع خاصی از تأمین مالی انطباق بیشتری دارد و کارآمدی بیشتری از آن انتظار می‌رود.

برای مردمی‌کردن اقتصاد، حرکت به‌سمت تأمین مالی خرد ضرورت دارد. مردم به‌ویژه طبقات کم درآمد و متوسط علاوه بر نیاز به تأمین مالی خرد باید بتوانند توانایی‌هایشان را در قالب همکاری‌های جمعی به اشتراک بگذارند. بر همین اساس، شکل‌گیری تعاونی‌ها، شرکت‌های کوچک و متوسط و توانمندسازی خوشه‌های مختلف صنعتی، کشاورزی و خدماتی می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

در فعالیت‌های دانش‌بنیان با توجه به وجود مخاطرات احتمالی در مسیر تجاری سازی یک ایده، صندوق‌های جسورانه و خطرپذیر از کارآمدی بالاتری برای تأمین مالی برخوردارند. راه‌اندازی بورس، ایده خود ابتکار جالبی برای سرعت‌بخشیدن به فعالیت‌های دانش‌بنیان و رونق اقتصاد دانش‌بنیان است. از سویی دیگر، راه‌اندازی صندوق‌های حمایتی در مراحل اولیه حرکت ایده تا محصول که هنوز کارآمدی اقتصادی آن ثابت نشده نیز یک کار ابتکاری است. هرچند در این بخش دولت نیز می‌تواند با استفاده از روش‌های تأمین مالی مناسب از این جریان حمایت کند. (ایروانی، ۱۳۹۳)

مبانی نظری نظام بانکی و نقش آن در اقتصاد پشتیبان تولید ملی

مشخصات نظام بانکی در اقتصاد پشتیبان تولید ملی

از آنجایی که نظام بانکی کشور یکی از مهمترین اهرم‌های توسعه اقتصادی کشور است، مقاوم‌سازی و جهت‌بخشی به این بخش از حساسیت بالاتری نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی برخوردار است. سؤال مهمی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که: نظام بانکی ایران در یک اقتصاد پشتیبان تولید ملی با مؤلفه‌های ایرانی–اسلامی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ چه اقداماتی را باید در اولویت خویش قرار دهد؟ برای پاسخ به این سؤالات لازم است نخست، عوامل درون‌نهادی خود بانک‌ها مورد توجه قرار گیرد که این عوامل را در چند بعد مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- احیای مدیریت در نظام بانکی: یکی از الزامات و شروط حرکت به‌سمت اقتصاد پشتیبان تولید ملی، داشتن روحیه و مدیریت جهادی است که در دوران دفاع مقدس شاهد آن بودیم و تلاش در جهت ارائه الگوی مدیریت صحیح جهادی در نظام بانکی کشور که لازمه عملیاتی‌شدن آن را می‌توان از وظایف کنونی کارشناسان، نخبگان و اصحاب رسانه دانست. مدیریت جهادی طبق گفته مقام معظم رهبری باید در همه عرصه‌های نظام بانکی ظهور و بروز داشته باشد، به‌گونه‌ای که فقدان آن کاملاً برای ذی‌نفعان نظام بانکی ملموس باشد. برای مثال، مشتریان نظام بانکی

باید بتوانند در کوتاهترین زمان ممکن تسهیلات مدنظر خود را با رعایت ضوابط بانکی دریافت کنند. همچنین، باید عزم جدی برای برخورد با تخلفات به‌عنوان یکی از ارکان مدیریت جهادی در تمام سطوح مدیریتی شبکه بانکی نهادینه شود.

۲- **یکپارچگی، اتحاد و انسجام درون نظام بانکی:** این اتحاد باید در سطح مطلوبی قرار داشته باشد. به بیان دیگر، با توجه به این‌که در بین خود، رقابت سالم و مفید دارند، بایستی همگی متفق‌القول باشند که سیاست‌های کلی اقتصاد پشتیبان تولید ملی را در نظام بانکی تعقیب کنند و این موضوع هماهنگی بین بانک‌ها و کل شبکه بانکی را می‌طلبد. نمونه بروز عدم اتحاد بین بانک‌ها در بحث دریافت نکردن کارمزد از پایانه‌های فروش (p.o.s) است که در یک مقطع زمانی از سوی برخی بانک‌ها اجرا شد و موجب پدید آمدن فرهنگ نادرستی در زمینه دریافت کارمزد خدمات بانکی شد.

۳- **خصوصی‌سازی و بهسازی نظام بانکداری دولتی:** توجه به بانکداری خصوصی و بهسازی ساختار نظام بانکداری دولتی، از بعد کاهش هزینه‌هایی که وجود دارد. چون یکی از شاخص‌های مورد توجه رهبری در سیاست‌های کلی اقتصاد پشتیبان تولید ملی، بحث کاهش هزینه‌های غیرضروری دولت است، توجه به بانکداری خصوصی و مدیریت منابع انسانی و منابع مالی دولتی می‌تواند کمک کند تا حجم دولت متناسب با نیاز اقتصاد کشور باشد و از سوی دیگر، جلوی تجمل‌گرایی در تبلیغات بانک‌ها گرفته شود. بانک مرکزی بایستی با نظارت بر تبلیغات بانک‌ها، مانع تسری فرهنگ تجمل‌گرایی و اسراف در بین آحاد جامعه شود. در جامعه‌ای که فرهنگ اسراف بر آن حاکم شود، فرهنگی غالب می‌شود که دیگر مبتنی بر نیاز نیست؛ یعنی مصرف با میل و هوس آمیخته می‌شود.

٤- **مقاوم‌سازی بانکداری الکترونیکی در نظام بانکی:** چنانچه زیرساخت‌های نظام بانکی در حوزه بانکداری الکترونیکی و فناوری اطلاعات، اتکای بیش از حد بر محصولات و خدمات خارجی داشته باشد، در مقابل اعمال تحریم‌های مالی آسیب‌پذیر خواهد بود. از آنجا که یکی از شاخصه‌های اقتصاد پشتیبان تولید ملی، مقاوم‌سازی بخش‌های درونی در مقابل مخرب بیگانه و مهاجم است، بومی‌سازی فناوری اطلاعات و بانکداری الکترونیکی باعث می‌شود که اقتصاد ما در بخش بانکی مقاوم شود. (کرانک، ۱۳۸۸: ۷۰)

نقش و جایگاه نظام بانکی در اقتصاد پشتیبان تولید ملی

وضعیت کنونی اقتصاد کشور، به‌ویژه درصد رشد منفی اقتصادی و تورم بالا در چند سال اخیر از یک‌سو و فشارهای تحریمی بر اقتصاد کشور ناشی از حاکمیت نظام سلطه بر اقتصاد بین‌الملل از سوی دیگر، ضرورت توجه به اقتصاد پشتیبان تولید ملی را نشان می‌دهد. در این راستا و با توجه به ابلاغ سیاست‌های اقتصاد پشتیبان تولید ملی از سوی رهبری معظم انقلاب و دستورها و تکالیف ابلاغی رئیس‌جمهور به دستگاه‌های اجرایی، شبکه بانکی نیز باید در تعامل مستقیم با سایر دستگاه‌های ذی‌ربط و به‌ویژه وزارتخانه‌های اقتصادی و دستگاه دیپلماسی کشور، ترتیبی را اتخاذ کند تا شرایط تحقق یک اقتصاد مولد درون‌زا، برون‌گرا و پیشرو ایجاد شود.

از ویژگی‌های مهم اقتصاد پشتیبان تولید ملی، ایجاد توان تولید در داخل و انعطاف‌پذیری حوزه‌های مختلف اقتصادی در مواجهه با بحران‌های گوناگون با منشأ داخلی یا خارجی است. در این زمینه، نقش نظام بانکی کشور به‌عنوان یکی از مهمترین اهرم‌های توسعه اقتصادی کشور، بسیار کلیدی و بی‌بدیل است. در این راستا، نظام بانکی کشور باید ضمن اتخاذ سیاست‌های صحیح و اصولی در تعامل مستقیم با بانک مرکزی و سایر بانک‌های کشور، از یک‌سو مزیت‌های رقابتی و سودآوری خود را حفظ کرده و از سوی دیگر، بر مبنای کارکرد تعریف‌شده خود، به‌عنوان تأمین‌کننده یا واسطه مالی، با تأمین به‌موقع و مناسب منابع مالی مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی باعث تسهیل جریان‌های اقتصادی و تأمین نقدینگی در بخش‌های اقتصادی شده و مرتب با گروه‌های ذی‌نفع و نیز با اتخاذ روش‌های ساده و شفاف در ارتباط با مشتریان خود، نقش ممتازی در بهبود فضای کسب و کار و تحقق اقتصاد پشتیبان تولید ملی ایفا کند. (برادران شاهرودی و شیرافکن، ۱۳۹۴: ۶)

اقدامات اثربخش و کارآمد بانکی جهت تحقق اهداف اقتصاد پشتیبان تولید ملی

ترویج و توسعه بانکداری اسلامی

قدر مسلم آن است که برای داشتن اقتصاد مقاوم در برابر بحران‌ها، تهدیدها و تحریم‌ها، بر نظام بانکی است که حداقل دو وظیفه را در رأس امور خود قرار دهد. نخست آن‌که، حرکت به‌سمت تحقق واقعی بانکداری اسلامی و رفع خلأها و کمبودهای این بخش را سرلوحه تمامی مسئولیت‌ها و سیاست‌گذاری‌های خود قرار دهد و دوم آن‌که، با اتخاذ سیاست‌های مدبرانه و عالمانه از ثبات اقتصادی و آرامش نظام پولی کشور صیانت کرده و با مدیریت و هدایت نقدینگی جامعه در کانال تولید ملی، خودکفایی و استقلال اقتصادی را برای کشور به ارمغان آورد.

اصلاح سیستم مالی کشورهای اسلامی و تجهیز به ابزار کارای متناسب با دین مبین اسلام، مثل بانکداری اسلامی، می‌تواند زمینه‌های راهبردی مبارزه با فقر را فراهم سازد. به‌علاوه، همکاری کشورها در تنظیم روابط اقتصادی و یکسان‌سازی شاخص‌های توسعه مالی اسلامی، شرایط بهینه‌ای را از طریق ایجاد فرصت‌های دسته‌جمعی برای مبارزه با فقر و کاستی سطح نابرابری ایجاد می‌کند. (نظرپور، ۱۳۹۱)، بانکداری اسلامی اگر به معنای واقعی و اصولی آن اجرا شود (از این جهت که به سپرده‌گذاران خود، سود یا زیان حاصل از مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی را پرداخت کند و بر مبنای نرخ بهره که درصد ثابتی است، نباشد)، اهمیت دارد. در صورتی که عقدهای مشارکتی اجرا شود، به‌علت این‌که با بخش حقیقی اقتصاد سروکار دارد، همراه با افزایش سطح قیمت‌ها، ارزش دارایی‌ها نیز افزایش می‌یابد. جهت بهبود کارایی و رفع فقدان نقدینگی و مشکل ارزیابی دارایی‌های بانک‌های اسلامی می‌توان از ابزارهای مهندسی مالی، روش‌های نوین مدیریت ریسک، فروش گواهی‌های سپرده در هنگام کمبود نقدینگی یا وثیقه گذاشتن دارایی‌ها یا قرض گرفتن از بانک مرکزی به‌صورت مشارکت در طرح‌ها استفاده کرد.

مدیریت بانکداری اسلامی باید در تغییرهای احتمالی بازار، مشتری‌مدار، نوآور، خلاق و انعطاف‌پذیر باشد. بانک‌های اسلامی به اصلاح ظرفیت‌های مدیریتی و آموزش کارکنان خود نیاز دارند تا در ارزیابی، کنترل و اجرای حسابرسی پروژه‌ها کامیاب باشند و بتوانند مدیریت ریسک را در تمام ابعاد آن اعمال کنند. (اکبریان و رفیعی، ۱۳۸۶)

به‌کارگیری ابزارهای نوین فناوری اطلاعات

یکی از محورها و مؤلفه‌های اصلی برای دستیابی به اقتصاد پشتیبان تولید ملی، بهره‌گیری از ابزارهای فناوری اطلاعات و ایجاد اقتصاد دیجیتالی است. پدیده اقتصاد نوین که از آن با عناوینی از قبیل اقتصاد دانش، اقتصاد دیجیتالی، اقتصاد الکترونیکی و اقتصاد مجازی یا اقتصاد شبکه یاد می‌شود، اقتصادی متکی بر صنعت فناوری اطلاعات (فاو) است. شکل‌گیری اقتصاد دیجیتالی نیاز به بسترها و پیش‌نیازها دارد. کیفیت مقررات، فراهم‌بودن زیرساخت‌ها، باز بودن تجارت، توسعه بازارهای مالی، تحقیق و توسعه، سرمایه انسانی، انعطاف‌پذیری بازار کار و محصول، کارآفرینی و ثبات اقتصاد کلان از پیش‌نیازهای کلیدی برای آشکارشدن منافع چنین اقتصادی است. با میسر شدن این نیازها باید زیرساخت فناوری اطلاعات نیز فراهم شود تا جریان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در فعالیت‌های روزمره، اقتصادی و بازرگانی به وجود آید. در این وضعیت می‌توان شاهد آشکارشدن پیامدهای فاوا در اقتصاد کشور بود و نتیجه آن، افزایش ارزش‌افزوده در سطوح بنگاه، بخش و کشور

است و در نهایت رشد بهره‌وری نیروی کار، بهره‌وری کل و رشد اقتصادی را به دنبال دارد. انقلاب فناوری با شاخص‌های بهبود سریع کیفیت تجهیزات و نرم‌افزار به همراه کاهش بسیار زیاد قیمت‌ها، معروف است. (کمیجانی و محمودزاده، ۱۳۸۷)

ارتقا بهره‌وری

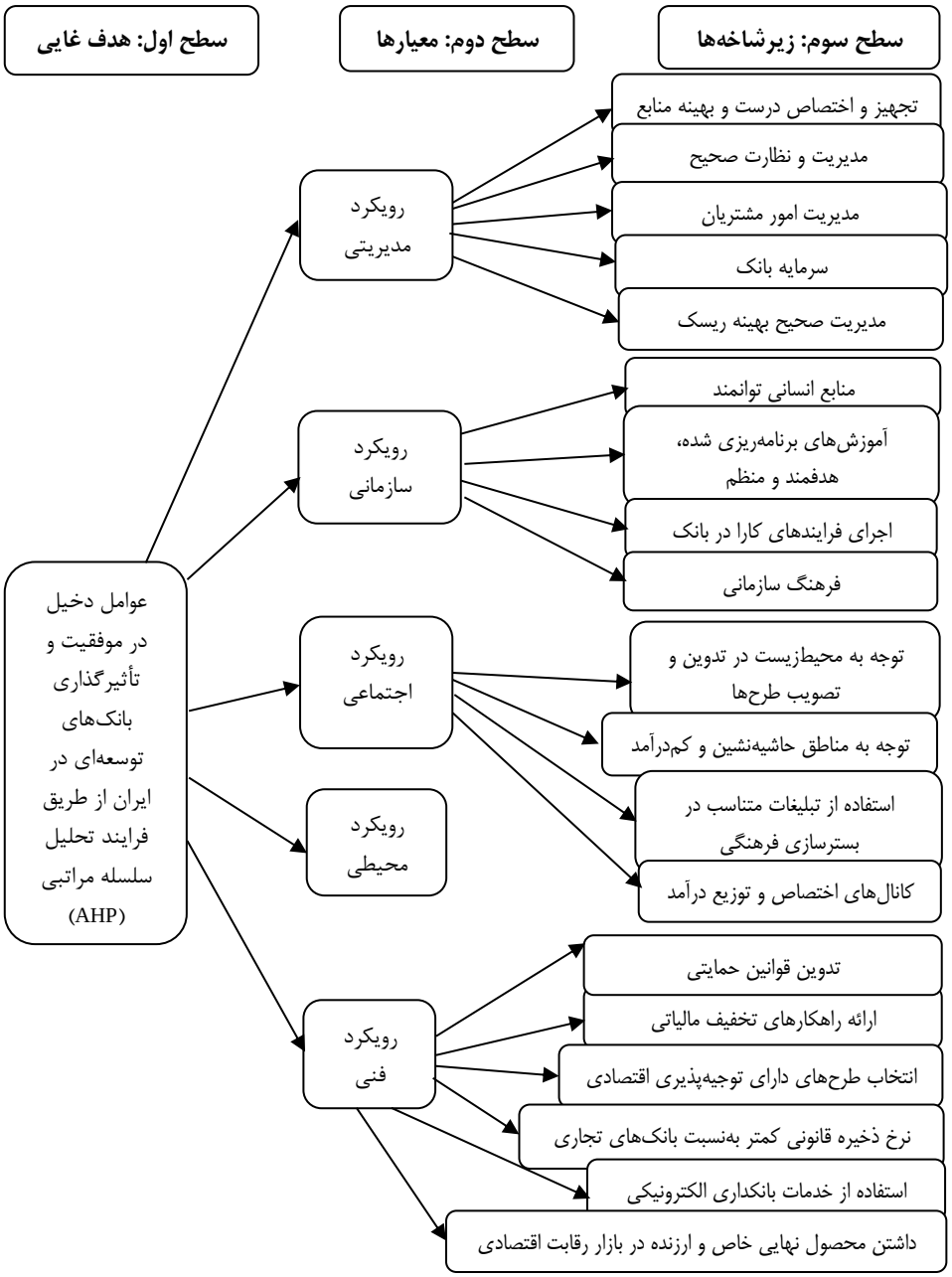
در راستای دستیابی به اهداف اقتصاد پشتیبان تولید ملی، ایجاد یک انقلاب اقتصادی که هم موانع را خنثی کند و هم این‌که شکوفایی مادی و معنوی ایران را رقم بزند، یک جهاد اقتصادی نیاز است. در عمده روش‌های برنامه‌ریزی، افزایش بهره‌وری نیروی کار یکی از عوامل مؤثر رسیدن به اهداف جهاد اقتصادی و افزایش تولید ملی است. بهره‌وری را می‌توان به‌حداکثررساندن استفاده از منابع، نیروی انسانی و تمهیدات به‌طریق علمی به‌منظور کاهش هزینه‌ها و رضایت کارکنان، مدیران و مصرف‌کنندگان به‌منظور ارتقا رفاه جامعه تعریف کرد، به‌گونه‌ای که افزایش آن به‌عنوان یک ضرورت، در جهت ارتقا سطح زندگی انسان‌ها و ساختن اجتماعی همواره مد نظر صاحب‌نظران سیاست، مدیریت و اقتصاد باشد. در این راستا، حرکت وسیعی در سطح سازمان‌ها شروع شده و اکثر وزارتخانه‌ها، مؤسسات و سازمان‌ها نسبت به سازماندهی تشکیلاتی همچون کمیته‌های بهره‌وری اقدام کرده‌اند. همچنین، در بانک‌ها نیز جهت کسب سهم بیشتر بازار، افزایش سودآوری، کاهش هزینه‌ها، ارتقا رضایت‌مندی مشتریان و کارکنان و در نهایت تعالی و سرآمدی، توجه بیش از پیش می‌طلبد؛ اما، آنچه باید مورد توجه قرار گیرد این است که رسیدن به تعالی تنها در صورتی میسر است که فرهنگ بهره‌وری در کلیه شئون سازمان نهادینه شود. این امر ضرورت وجود یک واحد سازمانی ویژه را به‌منظور سازماندهی فعالیت‌های بهره‌وری و تسریع فرهنگ آن در سازمان، نشان می‌دهد.

مدل نظری تحقیق

در مطالعه حاضر، مدل نظری، درخت سلسله مراتب تصمیم‌گیری برگرفته از روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی است. این سلسله مراتب دارای پنج مؤلفه رویکرد مدیریتی، رویکرد سازمانی، رویکرد فنی، رویکرد اجتماعی و رویکرد محیطی است. رویکرد مدیریتی شامل زیرشاخه‌های تجهیز و اختصاص درست و بهینه منابع، مدیریت و نظارت صحیح، مدیریت امور مشتریان، سرمایه بانک و مدیریت صحیح بهینه ریسک است. رویکرد سازمانی شامل زیرشاخه‌های منابع انسانی توانمند، آموزش‌های برنامه‌ریزی شده، هدفمند و منظم، اجرای فرایندهای کارا در بانک و نیز فرهنگ سازمانی است. رویکرد فنی شامل زیرمؤلفه‌های انتخاب طرح‌های دارای توجیه‌پذیری اقتصادی، نرخ

ذخیره قانونی کمتر به نسبت بانک‌های تجاری، استفاده از خدمات بانکداری الکترونیکی و داشتن محصول نهایی خاص و ارزنده در بازار رقابت اقتصادی است. رویکرد اجتماعی شامل توجه به محیط‌زیست در تدوین و تصویب طرح‌ها، توجه به مناطق حاشیه‌نشین و کم‌درآمد در سرمایه‌گذاری‌ها و نیز استفاده از تبلیغات متناسب در بسترسازی فرهنگی است. رویکرد محیطی نیز شامل کانال‌های اختصاص و توزیع درآمد، ارائه راهکارهای تخفیف مالیاتی و تدوین قوانین حمایتی است.

شکل شماره ۱: مدل نظری تحقیق و درخت سلسله مراتب تصمیم‌گیری



روش تحقیق

مطالعه حاضر از نوع مطالعات کاربردی است و نحوه انجام دادن آن توصیفی پیمایشی است که در راستای اجرای آن، از تصمیم‌گیری‌های چندمؤلفه‌ای با استفاده از فرایند تحلیل سلسله مراتبی استفاده شده است. مهمترین اطلاعات مورد نیاز، دسترسی به اطلاعات اولویت‌بندی عوامل اثرگذار در موفقیت بانک‌های توسعه‌ای است که رشد و بهبود آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. در همین راستا، ابتدا با منابع کتابخانه‌ای یک مدل نظری اولیه حاصل شد و بعد با استفاده از پرسش‌نامه و مصاحبه با متخصصان در این زمینه شامل استادان دانشگاه، کارشناسان و مدیران بانکی در مورد بانک‌های توسعه‌ای، مدل نهایی مطالعه به دست آمد. اطلاعات حاصل برای تجزیه و تحلیل وارد نرم‌افزار اکسپرت چویس شد. نمونه مورد مطالعه در این تحقیق شامل بانک‌های صادرات، کشاورزی، مسکن، صنعت و معدن و توسعه تعاون بود. تعداد ۳۰ نفر از افراد خبره، مدیر و کارشناس، پرسش‌نامه‌ها را پرکردند و اولویت‌بندی‌ها را مشخص کردند.

نخست، یک نمایش گرافیکی از مدل ترسیم شد که در آن، هدف غایی، معیارها و زیرشاخه‌های آن‌ها نمایش داده شده بود. سطح اول، هدف غایی؛ سطح دوم، معیارها؛ و سطح سوم، زیرشاخه‌ها بود. قدم بعدی انجام‌دادن مقایسه‌های زوجی بود که در پرسش‌نامه برای مطالعه حاضر، سؤالات شامل ۱۰ مقایسه زوجی برای مقایسه زوجی معیارها بود. در مرحله بعدی، وزن هر مؤلفه و اولویت آن‌ها تعیین شد. تمام مقایسه‌ها در فرایند تحلیل سلسله مراتبی به‌صورت زوجی انجام شد. در پایان، میزان ناسازگاری محاسبه شد که برای تأیید روایی تحقیق بود. در روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی می‌توان گفت که مقدار قابل‌قبول ناسازگاری یک سیستم، به تصمیم‌گیرنده آن بستگی دارد؛ اما مبدع روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی، حد قابل‌قبول را عدد ۰/۱ ارائه کرده است.

در این مطالعه، مقدار ناسازگاری عدد ۰/۰۵۶ حاصل شد که نشان‌دهنده روایی و پایایی قابل‌قبول است.

یافته‌های مطالعه

در بررسی اولویت‌بندی معیارهای مورد مطالعه بر اساس میزان اثرگذاری بر موفقیت بانک‌ها، یافته‌های جدول شماره (۱) حاصل شد. همچنین، نتیجه اولویت‌بندی و میزان اهمیت، وزن و درصد زیرشاخه‌های معیارهای مورد بررسی نیز در جدول شماره (۲) آورده شده است. یافته‌های مطالعه حاضر نشان داد که میزان اهمیت رویکرد مدیریتی با وزن اهمیت ۰/۵۱۰، بیشترین درصد سهم را از معیارها و اولین اولویت را در میان عوامل دخیل در موفقیت و تأثیرگذاری بانک‌های توسعه‌ای در

ایران از طریق فرایند تحلیل سلسله مراتبی دارد. در وهله بعد، رویکرد محیطی با وزن اهمیت ۰/۲۶۴ و درصد اهمیت ۲۷ درصد، دومین اولویت معیارهاست. رویکرد فنی با وزن اهمیت ۰/۰۵۹ و با درصد اهمیت ۱۳ درصد، در رتبه سوم اولویت‌بندی قرار دارد. رویکرد سازمانی با وزن اهمیت ۰/۰۳۸ و درصد اهمیت ۵ درصد، اولویت چهارم معیارهاست. در نهایت، رویکرد اجتماعی با وزن اهمیت ۱ و درصد اهمیت ۴، آخرین اولویت در میان معیارهاست.

جدول شماره ۱: نتایج محاسبات معیارها، وزن، درصد و اولویت اهمیت آن‌ها

معیار	وزن اهمیت	درصد اهمیت به‌صورت سهم	اولویت
رویکرد مدیریتی	۰/۵۱۰	۵۱	۱
رویکرد محیطی	۰/۲۶۴	۲۷	۲
رویکرد فنی	۰/۰۵۹	۱۳	۳
رویکرد سازمانی	۰/۰۳۸	۵	۴
رویکرد اجتماعی	۱	۴	۵
مجموع		۱۰۰	

در مدل نظری تحقیق، زیرشاخه‌های هر یک از معیارها ارائه شده است و در جدول شماره (۲)، درصد اهمیت هر یک از زیرشاخه‌ها در هر معیاری مشخص شده است. در مهمترین معیار به دست آمده، یعنی رویکرد مدیریتی، بیشترین اهمیت مربوط به تجهیز و اختصاص درست و بهینه منابع بوده است، به‌نحوی که این زیرشاخه با وزن اهمیت ۰/۵۰۹، ۵۱ درصد سهم را به خود اختصاص داده است. در وهله بعدی به‌ترتیب، سرمایه بانک، مدیریت و نظارت صحیح، مدیریت امور مشتریان و مدیریت صحیح بهینه ریسک با سهم‌های ۲۵، ۱۳، ۷ و ۴ درصد، در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

از نظر رویکرد محیطی، بیشترین اولویت با ۶۲ درصد و وزن اهمیت ۰/۶۲۰، مربوط به تدوین قوانین حمایتی است و در رتبه‌های دوم و سوم اهمیت، کانال‌های اختصاص و توزیع درآمد و ارائه راهکارهای تخفیف مالیاتی از اهمیت برخوردارند.

در معیار سوم، یعنی رویکرد فنی، بیشترین اهمیت مربوط به انتخاب طرح‌های دارای توجیه‌پذیری اقتصادی با درصد اهمیت ۵۵ و وزن اهمیت ۰/۵۵۵ بود. داشتن محصول نهایی خاص و ارزنده در بازار رقابت اقتصادی، استفاده از خدمات بانکداری الکترونیکی و نرخ ذخیره قانونی کمتر به‌نسبت بانک‌های تجاری با درصد اهمیت به‌ترتیب برابر با ۲۷، ۱۲ و ۶، در اولویت‌های دوم تا چهارم اهمیت قرار دارند.

از نظر رویکرد سازمانی، بیشترین اهمیت و اولین اولویت، مربوط به منابع انسانی توانمند بود که ۶۳ درصد اهمیت را به خود اختصاص داده است. سپس، فرهنگ سازمانی و اجرای فرایندهای کارا در بانک با ۲۳ و ۱۰ درصد، در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند.

در آخرین اولویت در میان عوامل دخیل در موفقیت و تأثیرگذاری بانک‌های توسعه‌ای در ایران از طریق فرایند تحلیل سلسله مراتبی، رویکرد اجتماعی، بیشترین اولویت با زیرشاخه توجه به مناطق حاشیه‌نشین و کم‌درآمد با اهمیت ۶۲ درصد و سپس، توجه به محیط‌زیست در تدوین و تصویب طرح‌ها و استفاده از تبلیغات متناسب در بسترسازی فرهنگی با ۲۶ و ۱۲ درصد، به‌ترتیب در اولویت‌های دوم و سوم قرار دارند.

جدول شماره ۲: نتایج محاسباتی زیرشاخه‌ها، وزن، درصد و اولویت آن‌ها

معیار		وزن اهمیت	درصد اهمیت به‌صورت سهم	اولویت
رویکرد مدیریتی	تجهیز و اختصاص درست و بهینه منابع	۰/۵۰۹	۵۱	۱
	سرمایه بانک	۰/۲۵۲	۲۵	۲
	مدیریت و نظارت صحیح	۰/۱۳۵	۱۳	۳
	مدیریت امور مشتریان	۰/۰۷۰	۷	۴
	مدیریت صحیح بهینه ریسک	۰/۰۳۴	۴	۵
رویکرد محیطی	تدوین قوانین حمایتی	۰/۶۲۰	۶۲	۱
	کانال‌های اختصاص و توزیع درآمد	۰/۲۶۰	۲۶	۲
	ارائه راهکارهای تخفیف مالیاتی	۰/۱۲۰	۱۲	۳
رویکرد فنی	انتخاب طرح‌های دارای توجیه‌پذیری اقتصادی	۰/۵۵۵	۵۵	۱
	داشتن محصول نهایی خاص و ارزنده در بازار رقابت اقتصادی	۰/۲۶۷	۲۷	۲
	استفاده از خدمات بانکداری الکترونیکی	۰/۱۱۸	۱۲	۳
	نرخ ذخیره قانونی کمتر به‌نسبت بانک‌های تجاری	۰/۰۶۰	۶	۴
رویکرد سازمانی	منابع انسانی توانمند	۰/۶۳۱	۶۳	۱
	فرهنگ سازمانی	۰/۲۲۴	۲۳	۲
	اجرای فرایندهای کارا در بانک	۰/۹۷	۱۰	۳
	آموزش‌های برنامه‌ریزی شده، هدفمند و منظم	۰/۰۴۷	۴	۴
رویکرد اجتماعی	توجه به مناطق حاشیه‌نشین و کم‌درآمد	۰/۶۲۹	۶۲	۱
	توجه به محیط‌زیست در تدوین و تصویب طرح‌ها	۰/۲۶۰	۲۶	۲
	استفاده از تبلیغات متناسب در بسترسازی فرهنگی	۰/۱۱۱	۱۲	۳

بحث و نتیجه‌گیری

اقتصاد پشتیبان تولید ملی، یک مکتب و رویکرد جدید است و تحقق آن مستلزم مهندسی مجدد در حوزه‌های مختلف است. با عنایت به مقولات مردمی‌کردن اقتصاد، اقتصاد دانش‌بنیان و توجه به بخش واقعی اقتصاد، نیاز است نظام تأمین مالی کشور نیز بازمهندسی شود. نگاه مجدد و خلاقانه به سیاست‌ها و ابزارهای تأمین مالی و در کنار آن تأسیس نهادهای تأمین مالی بر آمده از باورها و اعتقادات و سازگار با اصول و ارزش‌های کشور، ضرورتی اساسی دارد. توجه به تأمین مالی خرد صندوق‌های وقفی و تأمین سرمایه خطرپذیر از ضرورت‌های راهبردی است که نقطه اهرمی تحقق اهداف اقتصاد پشتیبان تولید ملی هستند.

از آنجا که ضرورت حمایت و رشد بانک‌های توسعه‌ای در کشورهای در حال توسعه و در رشد اقتصادی آن‌ها، به‌خصوص در وضعیتی نظیر وضعیت فعلی ایران (که در تکاپوی اقتصاد مقاومتی و تولید است) اهمیت بسزایی دارد، باید عواملی را که زمینه‌ساز موفقیت این بانک‌ها می‌شود، شناسایی و تقویت کرد.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که رویکرد مدیریتی، مهمترین معیار برای رسیدن به هدف موجود، یعنی موفقیت بانک‌های توسعه‌ای در نیل به اهداف اقتصاد مقاومتی و پشتیبانی از تولید ملی است. همچنین، معیارهای محیطی، فنی و سازمانی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. رویکرد اجتماعی نیز کمترین اهمیت را در میان معیارها داشت. در حقیقت، هدف از این معیارها و ارزش‌گذاری‌ها، رسیدن به این مطلب است که مدیران و تصمیم‌گیرندگان بانک‌های توسعه‌ای برای رسیدن به اهداف کلان، باید بیشترین اهمیت را به رویکرد مدیریتی و کمترین اهمیت را به رویکرد اجتماعی بدهند. از نظر زیرشاخه‌های مؤلفه‌های مورد بررسی نیز، بیشترین اهمیت از آن زیرشاخه تجهیز و اختصاص منابع و کمترین اهمیت مربوط به زیرشاخه استفاده از تبلیغات بوده است.

نتیجه بحث را می‌توان با ارائه چند پیشنهاد اصلاحی به شرح زیر برای جایگاه و عملکرد بانک‌ها در اقتصاد پشتیبان تولید ملی تمام کرد. بانک‌های اسلامی تنها در محدوده بازار مشارکت سرمایه‌های نقدی فعالیت کنند؛ قانون بانکداری اسلامی براساس عقود مشارکت، مجدداً تدوین شود؛ سازمان و تشکیلات بانک برای آن‌که بتواند قانون بانکداری اسلامی را به‌صورت واقعی تحقق بخشد، متناسب با نقشی که در بازار مشارکت سرمایه‌های نقدی ایفا می‌کند، مجدداً تعریف شود و از جهت کارکنان نیز کسانی استخدام شوند که قدرت درک و عمل به قانون مزبور را داشته باشند و بتوانند روح قانون مزبور یعنی مشارکت در سود و زیان واقعی را در عمل حفظ کنند. آنچه بیشتر مشخص است، بحث

انضباط مالی، تسهیل اعطای تسهیلات به کارآفرینان و صنعتگران، لزوم خصوصی‌سازی در نظام بانکی و توسعه زیرساخت‌های بانکداری الکترونیکی در کشور در برنامه تحول از جایگاه خاصی برخوردار خواهد بود. در پایان، مدل‌های پیشنهادی برای اقتصاد پشتیبان تولید ملی براساس قابلیت آن‌ها برای اقتصاد ایران ارائه شده است.

پیشنهادها

- استفاده از مدیران توانمند و متخصص
- استفاده از راهکارهای مدیریتی در تأمین تجهیزات و توزیع و اختصاص صحیح منابع
- استفاده صحیح و مدیریت‌شده از منابع بانک در جهت رشد تولید ملی
- راه‌اندازی سیستم‌های دقیق و کارا، مرتبط با امور مشتریان در جهت ارائه خدمات بهتر و تأثیرگذاری بیشتر بانک‌ها
- ارائه پیشنهاد از سوی مدیریت بانک‌ها برای تدوین قوانین حمایتی از طرح‌های مرتبط با تولید ملی
- ارائه راهکارهایی برای تخفیف مالیات از سوی بانک‌ها در جهت حمایت از تولیدکنندگان ملی
- برگزاری دوره‌های آموزش عالی برای مدیریت بانک‌ها در جهت ارزیابی صحیح طرح‌های ارزنده اقتصادی برای حمایت از تولید ملی.

منابع و مآخذ

۱- ابراهیم‌پور، مجتبی؛ یدالله‌زاده چاری، سمیرا. ۱۳۹۵. «***تبیین نقش و جایگاه بانکداری اسلامی در توسعه اقتصاد پشتیبان تولید ملی***»، پنجمین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت و دومین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری‌های باز، تهران، همایشگران مهر اشراق.

۲- اکبریان، رضا؛ رفیعی، حمید. ۱۳۸۶. «***بانکداری اسلامی، چالش نظری-عملی و راهکارها***»، فصل‌نامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۹۶.

۳- ابراهیمی، عباس. ۱۳۹۱. «***اقتصاد پشتیبان تولید ملی» در سایه تورم‌زدایی و حفظ سرمایه ایرانی تحقق می‌یابد***»، پایگاه اطلاع‌رسانی اقتصاد پشتیبان تولید ملی.

۴- ایروانی، محمدجواد. ۱۳۹۳. «***تحول در نظام پولی و مالی، نقطه اهرمی تحقق اقتصاد پشتیبان تولید ملی***».

۵- برادران شاهرودی، زینب؛ شیرافکن، حسین. ۱۳۹۴. «***بررسی نقش سیاست‌های بانکی در تحقق اقتصاد پشتیبان تولید ملی***»، کنفرانس ملی نوآوری مالی و توسعه مالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، بهمن ۹۹، ص. ۸-۴.

۶- پیرایش، رضا؛ محمودی‌منش، ساناز. ۱۳۹۵. «***بررسی نقش نظام بانکی در تحقق اقتصاد پشتیبان تولید ملی***»، پنجمین کنفرانس ملی حسابداری، مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری.

۷- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری به نشانی http://www.leader.ir/fa/content.

۸- «***پژوهشکده پولی و بانکی***»، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵.

۹- تاری، فتح‌اله؛ گلویانی، زهرا. ۱۳۹۲. «***اقتصاد پشتیبان تولید ملی و مؤلفه‌های آن***»، فصل‌نامه سیاست کلان، سال دوم، شماره دوم.

۱۰- تاجدینی، مهدی؛ حاجی شاهوردی، دنیا. ۱۳۹۵. «***بررسی نقش بانک‌های توسعه‌ای در چشم‌انداز توسعه اقتصادی کشور ایران طی ده سال آینده (افق ۱۴۰۴) با رویکرد اقتصاد پشتیبان تولید ملی***»، دومین کنفرانس بین‌المللی پارادایم‌های نوین مدیریت، نوآوری و کارآفرینی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

۱۱- «***سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور***». ۱۳۹۵. معاونت هماهنگی برنامه و بودجه و امور شورای اقتصاد و اقتصاد پشتیبان تولید ملی.

۱۲- سایت بسیج کارمندان. ۱۳۹۲. edarat.ghasam.ir.

۱۳- دامغانیان. ۱۳۹۴. وب‌سایت خبری تحلیلی تابناک، http://www.tabnak.ir.

۱۴- رنجبر، حجت؛ نصرتی، بهاره؛ رنجبر، سعید و فاطمه. ۱۳۹۵. «***اقتصاد پشتیبان تولید ملی و راهکارهای عملیاتی‌کردن آن در نظام بانکی کشور***»، نخستین کنفرانس بین‌المللی پارادیم‌های نوین مدیریت هوشمندی تجاری و سازمانی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

۱۵- شکری، خشایار. ۱۳۹۴. «***نقش بانک‌ها در اقتصاد پشتیبان تولید ملی***».

۱۶- حسینی، رضا؛ علی‌پور، علیرضا؛ آخوندی، حیدر و بیت‌اله. ۱۳۹۵. «***تأثیر معوقات بانکی بر شاخص‌های اقتصاد پشتیبان تولید ملی***»، اولین همایش بین‌المللی انسجام مدیریت و اقتصاد در توسعه شهری، تبریز، دانشگاه اُسوه، دانشگاه آتاترک ترکیه.

۱۷- خالقی، محمدجواد. ۱۳۹۵. «***نقش بانک‌ها در توسعه اقتصاد پشتیبان تولید ملی***»، مجله علمی- تخصصی پژوهش ملل، دوره اول، شماره ۹، خرداد ۹۱، ص. ۴۴-۴.

۱۸- خلیلی، حسام‌الدین. ۱۳۹۱. «***مقاومت اقتصادی در پرتو اقتصاد پشتیبان تولید ملی***»، کارگاه، دوره دوم، سال پنجم، شماره ۲۰.
۱۹- عسگری، علی. ۱۳۹۱. ۱۸، «***راهکار در اقتصاد پشتیبان تولید ملی***»، جام جم.
۲۰- مصباحی مقدم، غلامرضا. ۱۳۹۱. «***رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس***»، محورهای اساسی اقتصاد مقاومتی، خبرگزاری فارس.
۲۱- فشاری، مجید؛ پورغفار، جواد. ۱۳۹۳. «***بررسی و تبیین الگوی اقتصاد پشتیبان تولید ملی در اقتصاد ایران***»، سال چهاردهم، شماره ۵ و ۶ (۱۲ صفحه - از ۲۹ تا ۴۰).
۲۲- کرانک، ریپ. ۱۳۸۸. «***مصرف‌گرایی و نوسرمایه‌داری***»، سیاحت غرب.
۲۳- کلانترزاده، مهسا؛ کاظمی، ابوطالب؛ سیفی، محسن. ۱۳۹۴. «***تحلیلی بر ساز و کارهای اقتصاد پشتیبان تولید ملی در ایران***»، اولین همایش ملی مدیریت کسب و کار.
۲۴- کمیجانی، اکبر؛ محمودزاده، محمود. ۱۳۸۷. «***نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در رشد اقتصادی ایران (رهیافت حسابداری رشد)***»، پژوهشنامه اقتصادی.
۲۵- مشایخ، شهناز؛ حقیقی ملکسری، رقیه؛ حمداللهی، رقیه. ۱۳۹۳. «***نقش حسابداران و بورس در تحقق سیاست‌های اقتصاد پشتیبان تولید ملی***»، دومین همایش ملی رویکردی بر حسابداری، مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فومن، شماره ۲۳.
۲۶- مراد، سیف‌اله. ۱۳۹۱. «***راهبردهای اقتصادی امنیت***»، آفاق امنیت، شماره ۱۴.
۲۷- نساجیان، فاطمه. ۱۳۹۵. «***نقش اقتصاد پشتیبان تولید ملی در طراحی نظام بانکی***»، دومین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.
۲۸- نظرپور، محمدتقی. ۱۳۹۱. «**اثر بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی**»، مطالعات کمّی در مدیریت، سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۳۹.
۲۹- لواسانی، سیده‌زینب. ۱۳۹۱. «**اقتصاد پشتیبان تولید ملی در امتداد جهاد اقتصادی**»، اقتصاد تبیان.